

رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری با شادکامی هیجانی و سلامت روانی دانش‌آموزان دوره‌ی دوم متوسطه فرامرزاکبریان^۱

چکیده

هدف این پژوهش، مطالعه رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با شادکامی هیجانی و سلامت روانی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه بود. تحقیق حاضر از نوع پژوهش‌های همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه غرب استان گیلان است که در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ مشغول به تحصیل بودند. در این میان تعداد ۲۵۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند و مقیاس سبک‌های فرزندپروری و پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد (OHI) و پرسش‌نامه سلامت روانی (SCL-۲۵) به‌عنوان ابزار پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، در بخش آمار توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد و در بخش آمار استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین سبک فرزندپروری منطقی و شادکامی هیجانی و سلامت روانی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره دوم متوسطه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که میزان ضرایب هم‌خوانی برابر با (۰/۶۳) و (۰/۷۲) بوده است ($P < ۰/۰۰۱$). همچنین با اطمینان می‌توان گفت که بین نمرات سبک فرزندپروری استبدادی و آزاد با شادکامی هیجانی و سلامت روانی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های فرزندپروری، شادکامی هیجانی، سلامت روانی، دانش‌آموزان متوسطه

۱- نویسنده‌ی رابط: دکتری روان‌شناسی تربیتی، اداره آموزش و پرورش شهرستان آستارا
(akbarian.framarz@yahoo.com)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۳/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۷/۳

مقدمه

هر جامعه‌ای که به بقا و پیشرفت خود می‌اندیشد، در کنار داشتن استعدادهای درخشان نخبگان، داشتن هیجان مثبت، شادبودن و سلامت روانی دانش‌آموزان در کانون توجه قرار می‌گیرد. شادکامی که هدف مشترک انسان‌هاست و همه در تلاش برای رسیدن به آن می‌باشند، ارزشیابی افراد از خود و زندگیشان است. این ارزشیابی‌ها، ممکن است جنبه‌ی شناختی داشته باشد، مانند قضاوت‌هایی که در مورد خشنودی از زندگی صورت می‌گیرد و یا جنبه‌ی عاطفی که شامل خُلق و هیجان‌ات مثبت است که در واکنش به رویدادهای زندگی ظاهر می‌شود. دانش‌آموزانی که هیجان‌ات مثبت، شادکامی و سلامت روحی-روانی دارند، دارای افکار و رفتارهایی هستند که سازگار و کمک‌کننده می‌باشد.

دنیر و دنیر^۱ (۱۹۹۵) معتقدند، شادکامی شامل حالت خوشحالی یا سرور(هیجان‌ات مثبت)، راضی بودن از زندگی و فقدان افسردگی و اضطراب(عوامل منفی) است. جامع‌ترین و در عین حال عملیاتی‌ترین تعریف شادمانی و شادکامی را وینهوون^۲ (۱۹۸۸) ارائه می‌دهد. به نظر او شادمانی به قضاوت فرد از درجه یا میزان مطلوبیت کیفیت کل زندگیش اطلاق می‌گردد.

در همین راستا، کینزبرگ^۳ (۱۹۹۲) سلامت روانی را تسلط و مهارت در ارتباط صحیح با محیط بخصوص در فضای مهم عشق، کار و تفریح می‌داند (آفاجانی، ۱۳۸۱). هوگان^۴ (۱۹۹۰) سلامت روان را به معنای خودآگاهی^۵، خودشکوفایی^۶، تحقق خود^۷ و سلامت روانی را به عمل رساندن توانایی‌های ذاتی و درونی خود افراد می‌داند (وردی، ۱۳۸۰).

-
1. Diener & Diener
 2. Veenhoven
 3. Kinzberg
 4. Hogan
 5. Self-awareness
 6. actualization
 7. Self-realization

خانواده به عنوان اولین کانون اجتماعی، عوامل مختلفی دارد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد فرزندان به ویژه رشد روانی آنها، چگونگی روش‌های تربیتی والدین در چهارچوب خانواده است. روابط مطلق میان والدین و فرزندان در سلامت روانی آنها تأثیر فراوان دارد. برخی از والدین معیارهایی عالی برای فرزندان مقرر می‌کنند و از آنها توقع دارند که این معیارها را برآورده سازند. والدین دیگر، توقع خیلی کمی دارند و به ندرت سعی می‌کنند رفتار فرزندانشان را تحت تأثیر قرار دهند. برخی والدین نسبت به فرزندان خود، پذیرا هستند، به درخواست‌های آنها پاسخ می‌دهند و اغلب به بحث آزاد و گفتگو با فرزندانشان می‌پردازند. برخی از والدین هم طرد کننده و بی‌اعتنا هستند.

با توجه به ضرورت وجود شادمانی و نشاط و سلامت روانی در دانش‌موزان، تاکنون مطالعات گسترده‌ای در زمینه متغیرهای مرتبط و مؤثر با آن انجام گرفته است. وینهوون (۱۹۹۸) در یک بررسی به این نتیجه رسید که تا سال ۱۹۶۰ کل پژوهش‌های مرتبط با شادمانی و مقوله‌های وابسته به آن از جمله: رضایت، لذت و احساسات مثبت، ۶۲ مورد بوده است. از سال ۱۹۶۰ پژوهش‌های مربوط به شادمانی و نشاط افزایش یافته است (آرجیل^۱، ۲۰۰۱).

در این پژوهش‌ها سه جهت گیری اساسی را می‌توان مشخص کرد: (۱) در برخی از آنها میزان شادمانی و تهیه ابزارهایی برای سنجش شادمانی هدف اصلی بوده است. (۲) در برخی پژوهش‌ها که بیشتر مورد توجه بوده، بررسی عوامل مؤثر بر شادمانی و سلامت روانی مد نظر قرار گرفته است. (۳) در گروهی شیوه‌های افزایش شادمانی و سلامت روانی ارزیابی شده‌اند.

پژوهش در مورد عوامل مؤثر بر شادمانی در دهه‌ی ۱۹۸۰ تا آنجا پیش رفت که کاستا^۲ و مک کرا^۳، مدعی کشف ژن شادی شدند. به عقیده‌ی برخی از صاحب‌نظران مجموعه‌ای از عوامل شناختی، متغیرهای محیطی، متغیرهای شخصیتی و متغیر جنسیت بر شادکامی و سلامت روانی مؤثر

1. Argyle
2. Costa
3. McCrae

است (بیرد و همکاران^۱، ۲۰۰۰).

دنیو و کوپر^۲ (۱۹۸۵) و آرجیل، مارتین و لو^۳ (۱۹۹۵) با انجام مطالعات مختلف، همبستگی برون‌گرایی و شادی را به ترتیب (۰/۲۲) و (۰/۴۵) گزارش کرده‌اند. همچنین هیلز و آرجیل^۴ (۲۰۰۱) مهمترین عوامل مؤثر بر شادمانی را ثبات هیجانی می‌دانند. وارت^۵ (۲۰۰۱) و ویلسون^۶ (۱۹۶۷) عزت نفس را یکی از مهمترین عامل و پیش‌بینی‌کننده‌های شادی مطرح کرده‌اند. زاگرمین^۷ (۱۹۷۹) و بندورا^۸ (۱۹۷۷) شادی بخش بودن و در عین حال آرامش و نشاط انگیز بودن اوقات فراغت که با افزایش شور و هیجان همراه است، در پژوهش‌های خود گزارش کرده‌اند. مریام^۹ (۱۹۶۴) برای لذت بخش و شادکام بودن، عامل بیرونی، موسیقی، گرایی^{۱۰} (۱۹۷۵)، های^{۱۱} (۱۹۸۲) و هالمان، ونک و دمور^{۱۲} (۱۹۸۷) فعالیت‌ها و اعتقادات مذهبی و رابطه آن با شادمانی، سلامت روانی و هیجان‌ات مثبت را در پژوهش‌های خود گزارش و ارائه کرده‌اند. مایزر^{۱۳} (۱۹۹۲) و فوجیتا، داینر و ساندویچ^{۱۴} (۱۹۹۱) معتقدند که وجود سلامت شرط اول شادمانی و از نظر جنسیت تفاوتی بین آنها وجود ندارد.

از این میان، عوامل بسیاری وجود دارد، در حالی که به نظر می‌رسد از اهمیت بسیاری برخوردار است، مطالعه‌هایی روی آنها صورت نگرفته است. سبک‌های فرزندپروری یکی از مواردی است که

-
1. Byrd & Lear
 2. Deneve & Cooper
 3. Martin & Lu
 4. Hills & Argyle
 5. Wart
 6. Wilson
 7. Zuckerman
 8. Bandura
 9. Merriam
 10. Greely
 11. Hay
 12. Halman, Heunk & Demoor
 13. Myers
 14. Fujita, Diener & Sandvic

می‌تواند سبب بروز و ظهور شادکامی و سلامت روانی، بشمار رود؛ چرا که بسیاری از نیازهای عالیه و شکوفا شدن شادمانی و بهزیستی از طریق به کارگیری انواع سبک‌های فرزندپروری می‌تواند فعلیت یابد. مطالعه سبک‌های فرزندپروری از این جهت حائز اهمیت است که قابل تغییر می‌باشد. تنها نتیجه مطالعات آنولا و نورمی^۱ (۲۰۰۵) نشان داد که وجود تعاملات مناسب میان والدین و فرزندان نقش بسیار مهمی در ایجاد تحولات شناختی و اجتماعی نوجوانان دارد.

با توجه به ابعاد رفتاری گرمی و کنترل، بامریند (۱۹۹۱؛ به نقل از دیاز^۲، ۲۰۰۵) سه نوع الگوی رفتاری والدین را ارائه نموده است:

الف- الگوی رفتاری استبدادی، سخت گیر (فرزندپروری مستبدانه^۳)؛ در این شیوه، فرزندان در محیط خانواده با محدودیت‌هایی شدید مواجه می‌شوند. آنان موظفند که از مقررات خاص والدین پیروی کنند. والدین نیز از فرزندانشان اطاعت بی‌چون و چرا می‌خواهند و به ندرت علت خواسته‌های خود را توضیح می‌دهند (احمدی و جمهری، ۱۳۸۷).

ب- الگوی رفتاری سهل گیر، آزاد (فرزندپروری آسان‌گیرانه^۴)؛ در این شیوه، والدین از فرزندان خود انتظارات چندانی ندارند و فرزندان در بیان احساسات و رفتارهای تکانشی خود آزادی عمل دارند. چنین والدینی برای کنترل فرزندان خود، به ندرت از تنبیه یا زور استفاده می‌کنند.

ج- الگوی رفتاری قاطع و اطمینان بخش (فرزندپروری مقتدرانه^۵)؛ در این شیوه، والدین انعطاف پذیرند و ضمن اعطای آزادی به فرزندان خود، برای آنان مقررات روشنی تعیین می‌کنند. در عین حال، برای مقررات وضع شده دلایلی ارائه می‌دهند و اغلب در مورد خواسته‌هایشان با

1. Aunola & Nurami
2. Diaz
3. Authoritarian style
4. Permissive Style
5. Authoritative style

فرزندان خود استدلال می‌کنند. این والدین به نیازها و عقاید فرزندانشان خود حساس‌اند و آنان را به رعایت مقررات خانوادگی تشویق می‌کنند (برک^۱، ۲۰۰۱؛ به نقل از سیدمحمدی، ۱۳۸۱).

براساس پژوهش‌های ذکر شده جو عاطفی از تأثیر گذار بر شادکامی و سلامت روانی دانش‌آموزان است. در این راستا نقش عامل سبک‌های فرزند پروری والدین می‌تواند بر میزان و شدت این شادکامی و سلامت روانی کمک کند. هدف این پژوهش مطالعه بررسی رابطه بین سبک‌های فرزند پروری والدین با شادکامی هیجانی و سلامت روانی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه است.

روش

روش پژوهش این تحقیق از نوع همبستگی است.

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری: جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر دوره دوم متوسطه غرب استان گیلان می‌باشد که در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ مشغول تحصیل بودند. در این میان پژوهش با بهره‌گیری از جدول مورگان و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی به منظور تعیین شهرستان‌ها، از نواحی و مدارس مورد نظر تعداد ۲۵۰ نفر به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها عبارت بودند از:

الف- پرسش‌نامه‌ی سبک‌های فرزندپروری (دایانا، بامریند^۲): این پرسش‌نامه که، دایانا، بامریند، (۱۹۷۲) آن را ساخته‌اند، دارای ۳۰ پرسش است، هر ۱۰ سؤال از پرسش‌نامه یک سبک فرزندپروری را می‌سنجد. که به صورت طیف لیکرت، بصورت پاسخ‌های ۴ گزینه‌ای شامل کاملاً مخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم، موافقم، کاملاً موافقم طراحی شده است که به ترتیب دارای نمرات (۴-۳-۲-۱-۰)، می‌باشد. براساس نتایج بررسی‌های بوری^۳ (۱۹۹۱) ضرایب اعتبار^۴، برای

1. Berk
2. Baumrind's Parenting
3. Buri
4. reliability

سبک‌های آسان‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب برابر (۰/۸۱)، (۰/۸۶) و (۰/۷۸) بدست آمده است. نتایج «روایی واگرا»^۱ نشان دادند که شیوه مستبدانه مادر با شیوه‌های آسان‌گیرانه و مقتدرانه رابطه منفی معنادار و به ترتیب برابر با (۰/۳۸-) و (۰/۴۸-) است. این ضرایب برای سبک‌های پدر به ترتیب برابر با (۰/۵۰-) و (۰/۵۲-) بدست آمد. بی طرف، شعیری و حکیم‌جوادی (۱۳۸۹) در پژوهش خود در یک نمونه ۳۹۶ نفری از دانشجویان دانشگاه گیلان، «ضرایب همسانی»^۲ درونی پرسش‌نامه را برای شیوه‌های آسان‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب (۰/۶۹)، (۰/۷۰) و (۰/۷۹) گزارش کرده‌اند. برای پژوهش حاضر، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای سبک آسان‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه، به ترتیب (۰/۷۷)، (۰/۷۹) و (۰/۸۵) بدست آمده است.

ب- پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد (OHI^۳): این پرسش‌نامه را آرجیل و لو^۴ (۱۹۹۰) تهیه کرده‌اند. این آزمون را علی‌پور و نوربالا (۱۳۷۸) در کشور ما ترجمه کرده‌اند. این پرسش‌نامه دارای ۲۹ گویه و پنج مؤلفه؛ رضایت از زندگی، حرمت خود، بهزیستی فاعلی، رضایت خاطر و خلق مثبت می‌باشد. گزینه‌های آن به ترتیب از (۰ تا ۳) نمره‌گذاری می‌شوند. جمع نمرات موارد ۲۹ گانه، نمره کل مقیاس را تشکیل می‌دهد. نمره کل آزمودنی‌ها از (۰ تا ۸۷) در نوسان است. فانهایم و بروینگ^۵؛ آلفای کرونباخ را (۰/۸۷)، نور^۶ آلفای کرونباخ (۰/۸۴) را با ۱۸۰ آزمودنی و فرانسیس^۷ (۱۹۹۸) آلفای کرونباخ (۰/۹۲) را بدست آورده‌اند. در پژوهش حاضر برای تعیین ضرایب پایایی پرسش‌نامه شادکامی از دو روش، آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده شد که برای کل پرسش‌نامه به ترتیب برابر با (۰/۹۳) و (۰/۹۳) می‌باشد که بیانگر پایایی مطلوب پرسش‌نامه شادکامی می‌باشد.

1. Divergent validity
2. Internal consistency
3. Oxford Happiness Inventory
4. Argyle & Lu
5. Farenham & Broeing
6. Noor
7. Francis

ج- پرسش‌نامه سلامت روانی (SCL-۲۵): پرسش‌نامه سلامت روانی (SCL-۲۵) توسط نجاریان و داوودی (۱۳۸۶) ساخته شده است. این پرسش‌نامه، ۲۵ ماده دارد که روی یک طیف ۵ درجه‌ای از نمره (۰ تا ۴) ثبت می‌گردد. پرسش‌نامه (SCL-۲۵) به عنوان پرسش‌نامه سلامت روانی شناخته شده است، در واقع این پرسش‌نامه به اندازه‌گیری آسیب شناختی روانی فرد می‌پردازد. تفسیر نمرات پرسش‌نامه به این صورت است که هرچه نمره‌های فرد پایین‌تر باشد، نشانه سلامت روانی و نمرات بالاتر نشانه عدم سلامت روانی فرد می‌باشد. پایایی پرسش‌نامه سلامت روانی (SCL-۲۵) از طریق محاسبه همسانی درونی در نمونه‌های دختر (۰/۹۷) و در نمونه‌های پسر (۰/۹۸) بدست آمده است. ضریب اعتبار به شیوه بازآزمایی در یک نمونه ۳۱۲ نفری از دانشجویان دانشگاه شهید چمران به فاصله ۵ هفته در کل نمونه (۰/۷۸) گزارش شده است.

نتایج

در پژوهش حاضر، میانگین سنی آزمودنی‌ها برابر با (۱۵/۶) و با انحراف معیار (۰/۸۵) بود.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار، سبک‌های فرزند پروری، سبک منطقی، استبدادی، آزاد

P	F	حداکثر نمره	حداقل نمره	SD	M	سبک‌های فرزندپروری
۰/۸۸	۲۲۰	۵۰	۲۱	۴/۹۵	۴۰/۸	منطقی
۴/۸	۱۲	۴۱	۱۲	۵/۲۴	۲۲/۵	استبدادی
۷/۲	۱۸	۱۳	۱۳	۵/۸۰	۲۶/۴	آزاد

همانطور که ملاحظه می‌شود، بیشترین فراوانی (۸۸ درصد) مربوط به شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی است. بنابراین در بین سبک‌های فرزند پروری والدین در مورد فرزندان‌شان، سبک فرزندپروری منطقی و مقتدرانه، بیشتر در مرکز توجه قرار دارد.

جدول ۲. توصیف‌های مربوط به متغیرهای پژوهش با توجه به جنسیت

متغیرها	جنسیت	M	SD	تعداد
سبک‌های فرزندپروری	پسر	۷۶/۱۶	۲۲/۱۷	۱۲۵
	دختر	۵۰/۱۰	۱۸/۱۵	۱۲۵
شادکامی و هیجانات مثبت	پسر	۱۵/۵۲	۲۷/۱۴	۱۲۵
	دختر	۳۷/۱۷	۵۱/۳۹	۱۲۵
سلامتی روانی	پسر	۱۹/۱۸	۱۲/۱۱	۱۲۵
	دختر	۱۵/۲۲	۶۲/۱۳	۱۲۵

همانگونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف معیار سبک‌های فرزندپروری آزمودنی‌های پسر برابر با (۷۶/۱۶) و (۲۲/۱۷) و آزمودنی‌های دختر برابر با (۵۰/۱۰) و (۱۸/۱۵) و در متغیر شادکامی و هیجانات مثبت میانگین و انحراف معیار آزمودنی‌های پسر برابر با (۱۵/۵۲) و (۲۷/۱۴) و آزمودنی‌های دختر برابر با (۳۷/۱۷) و (۵۱/۳۹)، در متغیر سلامت روانی آزمودنی‌های پسر برابر با (۱۹/۱۸) و (۱۲/۱۱) و آزمودنی‌های دختر برابر با (۱۵/۲۲) و (۶۲/۱۳) می‌باشد.

جدول ۳. محاسبه ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش براساس جنسیت

تعداد نمونه	شاخص‌های آماری		آزمودنی‌ها	متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین
	p	r			
۱۲۵	۰/۰۰۱	۰/۶۲	دانش‌آموزانپسر	شادکامی و هیجان‌های مثبت	سبک‌های فرزندپروری
۱۲۵	۰/۰۰۱	۰/۶۵	دانش‌آموزان دختر		
۲۵۰	۰/۰۰۱	۰/۶۳	کل دانش‌آموزان	سلامت روانی	سبک‌های فرزندپروری
۱۲۵	۰/۰۰۱	۰/۶۹	دانش‌آموزان پسر		
۱۲۵	۰/۰۰۱	۰/۷۶	دانش‌آموزان دختر	سلامت روانی	سبک‌های فرزندپروری
۲۵۰	۰/۰۰۱	۰/۷۲	کل دانش‌آموزان		

همانطور که در جدول ۳، مشاهده می‌شود، بین سبک‌های فرزندپروری والدین و شادکامی و سلامت روانی کل دانش‌آموزان دوره‌دوم متوسطه، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی کل دانش‌آموزان دختر و پسر در متغیر پیش‌بین با متغیر شادکامی و هیجان‌های مثبت (۰/۶۳) در سطح معناداری ($P < ۰/۰۰۱$) و ضریب همبستگی کل دانش‌آموزان دختر و پسر در

متغیر پیش‌بین با متغیر سلامت‌روانی (۰/۷۲) در سطح معناداری ($P < ۰/۰۰۱$) می‌باشد.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری بر شادکامی و سلامت

روانی						
عامل‌ها	منبع پراش	SS	df	MS	F	P
شادکامی و هیجانی	رگرسیون	۱۷۱۱/۷۳	۱	۸۸۴/۴۷	۱۷/۸۸	۰/۰۰۱
	باقی مانده	۲۴۷۶/۹۱	۲۴۹	۱۵/۷۷		
	کل	۴۱۸۸/۶۴	۲۵۰			
سلامت روانی	رگرسیون	۲۳۱۵/۱۱	۲	۷۶/۷۲	۱۵/۳۲	۰/۰۰۱
	باقی مانده	۳۹۸۶/۶۱	۲۴۸	۲۵/۵۶		
	کل	۶۳۰۱/۷۲	۲۵۰			

یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که سبک‌های فرزند پروری به نحو معناداری شادکامی هیجانی و سلامت روانی دانش‌آموزان را پیش‌بینی و تبیین می‌نماید ($P < ۰/۰۰۱$).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری با شادکامی هیجانی و سلامت روانی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه بود. نتایج پژوهش نشان داد که سبک‌های فرزند پروری با شادکامی هیجانی و سلامت روانی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه رابطه مثبت و معناداری دارد. یافته پژوهش حاضر نشان داد که در کل سبک‌های فرزند پروری (سبک منطقی) با شادکامی و سلامت روانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، که با نتایج پژوهش‌های بندورا (۱۹۷۷) زاکرمن (۱۹۷۹)، مارتین ولو (۱۹۹۵)، وینهوون (۱۹۹۸) و آرجیل (۲۰۰۱) همسو می‌باشد.

به‌عنوان مثال؛ یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است که بین سبک فرزندپروری منطقی یا مقتدرانه با خلاقیت دانش‌آموزان (فراهینی، ۱۳۹۲)، وجود تعاملات مناسب بین والدین و فرزندان و نقش مهم آن در ایجاد تحولات شناختی و اجتماعی نوجوانان (آنولا و نوری، ۲۰۰۵) و بین هیجان‌های مثبت با سلامت روانی و بهزیستی (فردریکسون، ۱۹۹۸) رابطه وجود دارد. همچنین اعمال و شعائر مذهبی موجب ارتقای سطح سلامت روانی (جورج، الیسون و لارسون، ۱۹۹۹) و

بهبودی و شادی می‌شود (لوین و چترز، ۱۹۹۱). از سوی دیگر، هدف‌های فرزندپروری برای کنترل و اجتماعی کردن فرزندان می‌باشد (بامریند، ۱۹۹۱). لذا این موارد نشان می‌دهد، متغیرهایی که با سلامت روانی و شادکامی در ارتباط است، در عین حال با سبک‌های فرزندپروری منطقی و مقتدرانه نیز در ارتباط است و با عنایت به این مفهوم علت تایید فرضیه، مشخص و با نتایج پژوهش همخوانی دارد.

این پژوهش همچون سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی مواجه بوده است، از آن جا که داده‌های بدست آمده از سوی آزمودنی‌ها به صورت خودگزارشی است، احتمال گزارش بیش از اندازه یا کمتر از اندازه‌ی واقعی پاسخ‌ها وجود دارد، همچنین ارائه پاسخ غیر واقعی افراد، ناشی از درک نادرست پرسش‌ها، نیز می‌تواند یافته‌ها را مخدوش سازد. از این رو به نظر می‌رسد که بایستی از روش‌های دیگری جز پرسش‌نامه در این امر استفاده کرد.

روشن است که این بررسی مقطعی بوده و یافته‌های بدست آمده در زمینه‌ی ارتباط سبک‌های فرزندپروری، شادکامی و سلامت روانی، تنها نمایانگر معنادار بودن آن در میان گروه‌های مورد بررسی است، اثبات ارتباط علت و معلول نیازمند انجام دادن بررسی‌های طولی و کنترل شده است. توجه به متغیرهای مداخله‌گر، نظیر: هوش والدین، سلامت روان‌شناختی والدین، وضعیت اقتصادی، اجتماعی، منجر به کسب نتایج دقیق‌تر می‌شود.

برای کاربردی شدن نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود: با توجه به آن که این مطالعه بر روی دانش‌آموزان دوره‌دوم متوسطه که در سن نوجوانی هستند صورت گرفت، این پژوهش می‌تواند مطالعه مؤثر در جهت افزایش شناخت والدین و همچنین مسئولان مدارس از این دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه بهترین روش برای تربیت فرزندان می‌باشد چرا که در آنها روحیه شادبودن و سلامت روانی را به همراه داشته است و این کمک خواهد کرد به بهبودی فرزندان در محیط خانواده، مدرسه و اجتماع. این پژوهش می‌تواند به ارتقاء کیفی شیوه‌های فرزندپروری والدین کمک کند.

منابع

- آقاجانی، مریم (۱۳۸۱). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و منبع کنترل نوجوانان. دانشگاه الزهراء، ۳(۷)، ۲۹-۲۴.
- احدی، حسن و جمهری، فرهاد (۱۳۸۷). روان‌شناسی رشد نوجوانی و بزرگسالی (جوانی، میانسالی، پیری). تهران: انتشارات جیهون.
- بیطرف، شبنم؛ شعیری، محمدرضا و حکیم جواد، منصور (۱۳۸۹). هراس اجتماعی، سبک‌های والدگری و کمال‌گرایی. فصل‌نامه روان‌شناسی تحولی، روان‌شناسی ایرانی، ۲۵(۲)، ۸۲-۷۵.
- برک، لورا ای (۱۳۸۱). روان‌شناسی رشد (از لقاح تا کودکی). ترجمه سیدمحمدی، یحیی (۱۳۸۱). تهران: انتشارات ارسباران.
- علی پور، احمد؛ نوربالا، احمد؛ اژه‌ای، جواد و مطیعان، حمید (۱۳۷۸). بررسی مقدماتی و پایایی و روایی پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد، در دانشجویان دانشگاه‌های اندیشه و رفتار. تهران، ۵(۱ و ۲).
- فراهینی، ندا (۱۳۹۲). رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین و کمرویی با خلاقیت در تیزهوشان. مجله روان‌شناسی مدرسه، ۲(۴)، ۱۵۳-۱۳۷.
- نجاریان، بهمن (۱۳۸۶). ساخت و اعتباریابی (SCL-۲۵). روان‌شناسی، ۱۸(۵)، ۱۴۹-۱۳۶.
- وردی، مینا (۱۳۸۰). رابطه کمال‌گرایی و سرسختی روان‌شناختی با سلامت روانی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر مراکز پیش‌دانشگاهی اهواز. دانشگاه شهیدچمران اهواز، ایران.
- Aghajani, M (2003). Reviewing the effect of life skill leaning on mental health and control base of adolescents. Al Zahra University, 3, 24-29. (Persian).
- Ahadi, H & Jamhari, F (2009). Developmental psychology in adolescence and adulthood (Youth , middle age, old age). Tehran : Jeyhoon press (Persian).
- Alipoor, A., Noorbala, A., Ezhei, J & Motieyan, H. (2000). Reviewing the Fundamental , reliability and validity of Oxford fulfilled questionnaire on the university students of thought and behavior. Trhran, 5 (1&2) (Persian).
- Argyle, M. & Lu,L. (2001). The Happiness of Extraverts Personality and Individual difference. 2(1), 1011-1017.
- Argyle,M.,Martin,M.,&Lu,L.(1995). Testing for Stress and happiness.The role of Social and cognitive Factors. Inc.D.Spilberger&L. Sara Sin(Eds), Stress and emotion. Washington: Taylor, 37,173-187.
- Bandura, A. (1977). Self-efficacy Toward a unifying theory of behavioral change Psychological Review, 84,191-215.

- Berak, L. A. (2001). *Developmental psychology (from fertilization to childhood)*. Translated by Seyyed Mohammadi, Tehran: Arasbaran Publications. (Persian).
- Bitaraf, Sh., Shairi, M. R. & Hakimjavadi, M. (2011). Social fear, parenthood and perfectionism styles. *The periodical of Transformational and Iranian psychology*, 25(2) 75-82. (Persian).
- Buri, J. R (1977). Parental authority questionnaire. *journal of personality Assessment*, 57(1), 110-119..
- Byrd, k. R, Lear, D. & Sehwenka, S.(2000).Mysitcom as a Predictor of Subjective well – being. *International Journal for the Psychology of Religion*, 10(4), 259-269.
- Deneve, K. M. & Cooper, H; (1998). The happy Personality A meta- analysis of 137 Personality traits and subjective well- being. *Psychology Bulletin*, 124(2), 197-229.
- Diaz, Y.(2005). Association between Parenting and child behavior Problem among Latino mothers/ and children, unpublished Master thesis, university of Maryland,75,131-150.
- Diner, E. & Diner, M.(1995). Factors Predicting the Subjective well being of nations; *journal of Personality and social Psychology*, 69, 851-864.
- Farahini , N. (2014). Parents-son relationship and creative diffidence in intelligent children. *School psychology magazine*, 2(4) , 137-153. (Persian).
- Francis, L.,& J. et al. (2000). Religiosity and Happiness: During Adolescence young Adulthood and later life. 56,116-135.
- Fujita, F., Diner, E., & Sandwich, E. (1991). Gender differences in negative affect and well - being The case for emotional intensity. *Journal of Personality & social Psychology*, 61(3), 427-434.
- Greely,A.M. (1979). Sociology of Paranormal In P Hills & M Argyle (Eds), Musical and religious experiences and their relationship to happiness Personality and Individual Differences, 25, 91-102.
- Hay, D. (1982). *Exploring inner Space*. Hammond's-worth.Penguin, 31,162-182.
- Hills, P., & Argyle, M. (1998).Musical and religions experiences and their relation ship to happiness. *Personality and Individual Differences*,25, 523-535.
- Holman, L. & Heunk, F., Demoor, R. (1987). A study into the values of the Dutch in a European context Tilburg. Tilburg university press, 568,235-251
- Larsen,R. J., & Fredrickson, B. L.(1999). Measurement issues in emotion research. In D, Kahneman.E. Diner & N. Schwarz (Eds.), well –being. *Foundations of hedonic Psychology*.new York Sage46, 30-60.
- Levin, J. S.& Chatters, L. M.(1998). Research on religion and mental health as overview of empirical findings and theoretical issues.In H, G, Koenig (Ed) *Hand book of religion and mental health* Sandi ego CA; Academic, 86,23-50.
- Merriam, A. P.(1964). *Exploring Psychology* (3rd), New York: Worth Publishers.
- Myers, D. G.(1992). The Friends and Faith of happy People *American Psychologist*, 55(1), 56-57.
- Najarian, B. (2008). Construction and validation (Sci-25). *Psychology*, 18(5), 136-149 (Persian).
- Veenhoven , R.(1988). The utility of happiness.social Indicators Research, 20, 254-333.

- Verdi , M (2002).The relationship between perfectionism and difficulty of psychology with the mental health of educational function of students in Ahvaz girls ' per-university centers. Shahid Chamran University, 4, 121-135. (Persian).
- Wart, P. J. (2001). What determines happiness<http://Vanderbiltowc.wellsource.com/Idh/content-print.Asp?ID=299>.
- Wilson, W. (1967). Correlates of avowed happiness. Psychological Bulletin, 67, 294-306.
- Zuckerman, M. (1979). Sensation seeking Hillsdle, NJ: Erlbaum.

The relationship between styles of child fostering with emotional happiness and mental health of first and second grade high school students

F. Akbarian¹

Abstract

Two happy students with the same mental health and merely having the same religious attitude want to listen music or not. Therefore, studying the factors related to happiness and mental health is necessary. The purpose of this research is to study the relationship between styles of child fostering with emotional happiness and mental health of students. To this end, 250 girl and boy first and second grade high school students of western Guilan province using cluster random sampling, were chosen and the scale of Bamrind's child fostering styles and Oxford happiness questionnaire and mental health questionnaire SCL-25 were employed as measurement instruments. To analyze the data, in addition to descriptive statistics, Pearson correlation coefficient and XZ were used. The results showed that in the group with child fostering style, the style of parents' logical child fostering and emotional happiness and mental health indicated that the measure of concordance coefficient were 6310 and 7210, respectively. The students who enjoyed the style of logical child fostering had higher emotional happiness and mental health. So, there is a positive and significant relationship between the styles of logical child fostering and emotional happiness and mental health of first second grade girl and boy high school students.

Keywords: styles of child fostering, emotional happiness, mental health, high school students.

1 . Ph.D of Educational Psychology, The Directorate of Education of Astara city (akbarian.framarz@yahoo.com)